

منزلت انتخابات در شورای به اصطلاح ملی

امیرفیض – حقوقدان

این تحریر همانطور که از عنوانش برمیآید در اطراف موقعیت حقوقی انتخابات شورا! و تصمیمات آن است و به هیچوجه به کیفیت انتخابات! شورا توجهی ندارد زیرا چیزی که مشروعیت قانونی ندارد فصل اعتراض به کیفیت شکل گیری آنها مسدود است.

انتخاب در شورای به اصطلاح ملی نه انتخابات

بین انتخابات و انتخاب تفاوت بسیار مهمی است. انتخابات یک اصطلاح حقوق سیاسی داخلی است که از جریان قانونی برای برگزیدن نمایندگان مجالس وانجمنهای شهرو آنچه که قانون مقرر کرده تعریف دارد.

اما انتخاب، یک حقی است برای افراد بطور طبیعی منظور شده است، تا از بین چند شیء و یا چند نفریک یاچند نفررا به میل خود انتخاب کنند

همانطور که ملاحظه داشتید تفاوت عمده درانتخابات و انتخاب وجود قانون انتخابات است؛ این تفاوت گویای آن است که درانتخابات، هوی و هوس و نظر افراد در برگزاری انتخابات شرط نیست و انتخابات تابع قانونی است که به اعتبار قانون اساسی کشور که قبل ازانتخابات بتصویب رسیده، باید جریان یابد ولی درانتخاب، آزادی عمل و هوی و هوس و نظر حاکم است.

نمونه انتخاب خودسرانه و غیرقانونی رامیتوان درانتخاب سردسته عده ای ازاطفال و یا تبهکاران دید که بمیل خودشان شبهی از انتخابات فراهم میسازند و شخص مورد نظررا بعنوان انتخاب شده معرفی میکنند.

نمونه انتخاب قانونی را باید درکیفیت انتخاب نخست وزیر درقانون اساسی مشروطیت ملاحظه کرد.

لزوم قانون درانتخابات، و فصل هوی و هوس و بی قانونی درانتخاب، با آثار حقوقی خاصی مواجه است که مهمترین آنها تاثیرتصمیمات شورا و انتخاب شوندگان است.

درتطبیق مورد از آنجا که انتخابات! شورای به اصطلاح ملی! انتخاب است نه انتخابات زیرا فارغ از قانون اساسی مشروطیت و یا جمهوری اسلامی است، لذا برجسته ترین آثار آن محدودیت آثار و تصمیمات به همان کسانی است که درانتخاب افراد مشارکت داشته اند، چنانکه تصمیمات یک دسته و گروه چه در کار سیاسی و چه درتبهکاری ها محدود به همان افراد عضو شبکه هست و لاغیر.

بنابراین محدوده تصمیمات شورای به اصطلاح ملی! بهیچوجه متضمن آثاری که متوجه جامعه ایرانی و یاکشورایران ویاکسانی که عضویت شورا را قبول نکرده اند نخواهد شد.

موضوع دیگری که درانتخابات! مد نظر است باب مسئولیت است و این بدان معناست که چون روند انتخابات! شورا، مورد را منطبق با عقد جایز میسازد، لذا هریک از رای دهندگان، میتوانند از رای که داده اند بازگشت کنند، و همچنین است آن کسانی که انتخاب شده اند هم میتوانند، حتی پس

از قبول، آنرا در هر زمان رد کنند، درست مانند عقد وکالت، لذا موقعیت ارکان تصمیم گیرنده شورای به اصطلاح ملی! طوری است که تصمیم گیری بامسئولیت ممکن نیست و شورا و ارکان آن تبدیل به یک چیز اسمی بی مصرف و در حد تظاهر مبارزاتی سالهای گذشته خواهد شد.

راه قانونی شورای به اصطلاح ملی چه بود؟

در مذاکرات اجلاس [به اصطلاح] شورا در پاریس ملاحظه شد که از اعلیحضرت بنام شاه یاد شده است با این زمینه اصولی چرا باید از حقوقی که قانونا شاه در انتخاب مسئول مبارزه دارد استفاده نشود؟

قانون اساسی مشروطیت و سنت قانونگزاری نشان میدهد که در غیاب مجلس یعنی دوران فترت همه اختیارات مجلس باشخص شاه است، و در حال حاضر تنها کسی که حق قانونی دارد که به اعتبار قانون اساسی تصمیماتی اتخاذ کند که اتصال حقوقی به قانون اساسی داشته باشد شاه است.

شاه، با استفاده از حقوقی که سنت مشروطیت بنانهاده بامشورت با ایرانیان صاحب صلاحیت، شخصی رابعنوان نخست وزیر و یا فرمان دار یا متصدی و مسئول مبارزه انتخاب میکند و آن شخص بر اساس شرائط مقرر در قانون اساسی مشروطیت و قانون انتخابات اصلاح شده در حد ممکن انتخابات مورد نظر را متصدی میگردد، و مسئولین بخش های اداره مبارزه را حسب دستور قانون اساسی بفرمان شاه منصوب خدمت میکند.

این سیره برای اعضای منتخب شده از طریق انتخابات ایجاد مشروعیت و صلاحیت میکند و تصمیمات آنها متوجه همه کسانی خواهد بود که به تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت اعتقاد دارند و تنها راه و طریق آشنای مردم ایران برای نجات از حاکمیت غاصبانه جمهوری اسلامی همین است و بس.

چرا باید شورا در حالیکه حضور اعلیحضرت را در آن جمع در مقام شاه تلقی میکند تکلیف سخنگونی که در حد یک شیپورچی است محول ایشان شود؟

از منزلت به ذلت

مشروعیت و اصالت مبارزه علیه جمهوری اسلامی از تداوم اجرای قانون اساسی مشروطیت و دستاورد های آن دوران نشئت میگیرد. هر حرکتی فارغ از آن مشروعیت، حرکت را تبدیل به یک خودسری فردی میسازد که هرگز و ابد مورد تحویل مردم ایران قرار نخواهد گرفت و در کلامی روشن ذات و فرهنگ و ساختار فکری مردم ایران است که آنرا بیگانه میگیرد.

این چنین حرکتها که سی سال سابقه تکراری دارد فاقد مشروعیت است لاجرم:

- مذاکره با خارجیان غیر قانونی و فضولی محسوب است.

- درخواست کمک از بیگانه گدائی و فروش وطن همراه غیرت ملی است.
- جمع آوری پول از مردم نوعی کلاهبرداری است.
- مبارزه شورای به اصطلاح ملی! نوعی تظاهر و نفع شخصی در بازار مکاره سرمایه گذاری آمریکاست.

و دریک کلمه شورای به اصطلاح ملی! راه ذلت را به منزلت ترجیح داده است.